

عدالت و جهوریت

جامعه همواره عدالت طلب است. پربسامدی این مفهوم را در میراث فقهی، سیاسی و حتی ادبی جهان اسلام و ایران می‌توان یافت. در واقع پرداخت وسیع و گسترده به این مفهوم در ابعاد مختلف نشان از اهمیت و جایگاه ویژه آن دارد. در ادبیات فقهی سیاسی اسلام، عدالت حتی نسبت محکمی با مشروعیت پیدا کرده است. تا جایی که حکمرانی و حکومتی مشروع است که عدالت را محقق کند. به همان نسبت نیز فاصله‌گیری از عدالت مشروعیت زدا خواهد بود. عدالت در دوره معاصر از جمله مفاهیم اصلی سپهر سیاسی و اجتماعی ایران بوده است. در دوران معاصر با عمده شدن جریان‌های فکری موسوم به اصلاح، احیا و نهضت، این مفهوم بار معنایی گسترده‌تر و عمیق‌تری نسبت به قبل پیدا کرد. به همان نسبت نیز توجه به آن در حوزه‌های مختلف فکری تا سیاسی و اجتماعی بیشتر شد. ترجیح‌بند غالب گروه‌های اجتماعی درباره عدالت، آن بوده است که ما در وضعیت «بی‌عدالتی» هستیم و برای تحقق «عدالت» باید اقدام کنیم. در چنین اوضاعی، «بی‌عدالتی» و تحقق «عدالت»، مختصات رویارویی دولت (قدرت) و جریان‌های ناسازگار (مقاومت) را رقم زد. به عبارت دیگر، در دوران معاصر دولت‌ها مسئول اصلی بی‌عدالتی در جامعه بودند و جریان‌های ناسازگار در حوزه‌های گوناگون به منظور تحقق عدالت با قدرت سرشاخ شدند؛ عدالت به معنای دریافت سهم عادلانه مردم از ثروت و قدرت کشور. در واقع آنچه بیش از عدالت تأثیرگذار بوده فقدان عدالت یعنی بی‌عدالتی بود. به طور اساسی مفهوم بی‌عدالتی بسامد بیشتری در این دوره داشته تا خود عدالت و بی‌عدالتی بیشتر از آنکه شرح داده شود، احساس می‌شده است. در چنین معرکه‌ای مفهوم «جمهوریت» نیز برآمد. جمهوریت مفهومی برآمده از جریان‌های مقاومت برای پاسخ به وضعیت سیاسی و اقتصادی بود. جریان‌های مقاومت، قدرت را متهم می‌کردند که با وضعیتی که ایجاد کرده بی‌عدالتی را رقم زده و علاج کار، تن دادن به جمهوریت است. جمهوریت یگانه راه تحقق عدالت است.

دولت مسئول عدالت

این رویارویی، دولت‌های معاصر را بر آن داشت تا عهده‌دار تحقق عدالت در جامعه شوند. در واقع دولت‌ها خود را مأمور تحقق عدالت در جامعه پنداشتند و آن را وظیفه دولت دانستند. به طور خاص از اواخر دوره پهلوی اول تا دوران کنونی این مهم در دستور کار قدرت‌های مستقر در ایران قرار گرفته است. «برنامه‌های عمرانی» و «برنامه‌های توسعه» دو مفهومی است که برای این انگاره قدرت سامان‌دهی شده است. به عبارت دیگر، دولتی که مسئول بی‌عدالتی در جامعه معرفی می‌شد، اکنون مسلح به برنامه آمده تا عدالت را محقق سازد؛ عدالت از دریچه برنامه توسعه. به بیانی سند اصلی‌ای که الگو و برنامه دولت برای عدالت در جامعه را نشان می‌دهد، همان برنامه‌های عمرانی و توسعه است. در ادامه با اشاره به برنامه‌های عمرانی و توسعه در دوره پهلوی و عصر انقلاب اسلامی به چند اشکال و مسئله اصلی در این برنامه‌ها اشاره و مفهومی که می‌تواند این نقیصه را برطرف کند، ایضاح خواهد شد.

تجربه پهلوی اول

نخستین گام‌های برنامه ریزی در ایران به سال ۱۳۰۳ برمی‌گردد که کمیسیونی با مشارکت دولت و مجلس با عنوان «کمیسیون اقتصادیات» با هدف برنامه ریزی اقتصادی تشکیل شد. ریاست این کمیسیون را سید حسن تقی‌زاده بر عهده داشت. با وجود این، از سال ۱۳۱۶ و با مساعی ابوالحسن ابتهاج بحث برنامه ریزی در ایران آغاز گشت. در آنجا ابتهاج مسئول تهیه نقشه